

مقایسه‌ی سیر روایی منظومه‌های خسرو و شیرین نامی اصفهانی و نظامی گنجوی

دکتر محمد امیر مشهدی* دکتر عبدالعلی اویسی** راضیه به آبادی***

چکیده

خسرو و شیرین دومین منظومه از خمسه‌ی میرزاحمدصادق نامی اصفهانی (۱۲۰۴ق) است که به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. این اثر ضمن داشتن موضوع و درون‌مایه‌ی مشترک و نیز وزن و قالب یکسان، موارد افتراق گوناگونی با نظیره‌ی خود دارد. تعداد ابیات خسرو و شیرین نامی تقریباً دو سوم اثر نظامی است و حذف بسیاری از حوادث و صحنه‌ها، از گیرایی و کشش داستان کاسته است. نامی در روایت خود، در بسیاری از حوادث دست برده و تغییراتی داده، ترتیب آن‌ها را عوض کرده و یا مواردی را حذف یا اضافه کرده است، چرا که مدعی خلق اثری هم‌پایه‌ی منظومه‌ی نظامی بوده است. در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیف و تحلیل انجام شده است، این موارد مورد بررسی قرار گرفته است. گرچه خلاقیت و توانایی نامی را در ایجاد این دگرگونی‌ها، نمی‌توان نادیده گرفت و ترکیبات زیبا و تصویرهای شعری او را که محققان را به تحقیق و بررسی آثارش ترغیب می‌کند نباید از نظر دور داشت، اما باید اذعان کرد که نامی در روایت خسرو و شیرین، چندان موفق نبوده است.

واژگان کلیدی: ادب غنایی، شعر فارسی، خسرو و شیرین، نامی اصفهانی، نظامی گنجوی.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

گرچه خمسه‌ی نظامی (تولد بین ۵۳۳ تا ۵۴۰^۱ و وفات بین ۵۷۰ تا ۶۱۴ ه.ق (صفا، ۱۳۷۱: ۸۰/۲))، «بی‌مانند است و لطایف و حقایق گفتار نظامی همتایی ندارد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۰۱)، اما در دوره‌های

*Email: mashhadi@lihu.usb.ac.ir

**Email: oveisi@lihu.usb.ac.ir

***Email: behabdirazieh@yahoo.com

مختلف، شاعران زیادی تلاش کرده‌اند برای همه یا قسمتی از آن، نظیره‌هایی خلق کنند. داستان عاشقانه‌ی خسرو شیرین نیز از این قریحه‌آزمایی‌ها، دور نمانده است. این داستان که، «بنا بر دریافت آرتور کریستن‌سن، ظاهراً از داستان‌های اواخر عهد ساسانی است» (یوسفی، ۱۳۷۰: ۱۷۲)، از دیرباز به گونه‌های مختلف (از جمله گزارش دینوری، جاحظ، ثعالبی، طبری و ابن بناته و...) گزارش شده است (آیتی، ۱۳۷۰: بیست- و شش، یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰) و مورد توجه سراینده‌گان زیادی چون امیر خسرو دهلوی، سلیمی جرونی، شهاب ترشیزی، هاتفی خرجردی، وحشی بافقی، عرفی شیرازی، وصال شیرازی و نامی اصفهانی و... قرار گرفته است (ریپکا، ۱۳۸۲: ۳۹۰، آیتی، ۱۳۷۰: سی و یک). میرزا محمدصادق موسوی اصفهانی، متخلص به «نامی»، شاعر و نویسنده‌ی نیمه دوم قرن دوازدهم هجری است که به نقل صریح شاگردش، میرزا عبدالکریم، «در سال ۱۲۰۴ ق درگذشت» (نامی، ۱۳۶۸: ۸۸). وی منشی و وقایع‌نگار دولت کریم‌خان زند و مؤلف تاریخ گیتی‌گشای (در تاریخ زندیه) است. نامی پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی سروده که مشتمل است بر: دُرُج گهر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، یوسف و زلیخا و آن را «نامه نامی» خوانده:

از پیِ نامش علم انداختم نامه‌ی نامیش لقب ساختم

(نامی، ۱۳۸۱: ده)

گرچه او در نگارش گیتی‌گشا، به شیوه‌ی تاریخ‌نویسان آن زمان، به عبارت‌پردازی‌های ملال‌آور مبادرت ورزیده و در به‌کاربردن تصویرها و تشبیهات دور از ذهن مبالغه نموده است اما زبان شعری او روان و اغلب به‌دور از عبارت‌پردازی‌های مغلق و ابهام‌آمیز است. تصویرهای شعری دل‌پذیر و ترکیبات بکر و زیبای او در مثنویاتش، ضرورت بررسی منظومه‌های او را، جهت درک هرچه بیش- تر افکار، اندیشه‌ها و قدرت داستان‌پردازی وی، مشخص می‌کند. وی در آغاز منظومه‌ی خسرو و شیرین، خاطر نشان می‌کند که تخلص «نامی» تنها زینده‌ی طبع سخن‌ور اوست:

به ردف شاعران شخصی ازین پیش نهاده گرچه «نامی» نام بر خویش

به ملک نظم نام‌آور نبوده‌ست عبث بر خویشتن تهمت نموده‌ست...

به من می‌زیبید این نام گرامی که هستم من به ملک نظم نامی...

(همان)

و ادعا می‌کند که مجموعه‌ای همسنگ خمسه نظامی سروده و احیاکننده‌ی عهد نظامی است:

شور درافتاد که نامی رسید تازه‌کن عهد نظامی رسید

ملک سخن را شه نامی تویی زنده‌کن نام نظامی تویی

(نامی، ۱۳۸۱: ده)

پس با توجه به این که خسرو و شیرین اولین منظومه‌ی شاعر بوده است (نامی، نسخه ۱۶۹۳۰۸۴: برگ ۱۴)، با مقایسه‌ی سیر روایی منظومه‌های خسرو و شیرین نامی اصفهانی و نظامی گنجوی، میزان موفقیت نامی در خلق اثری هم‌پایه‌ی منظومه‌ی نظامی مورد بررسی قرار گرفت، تا پاسخ پرسش‌های ذیل مشخص شود:

- آیا منظومه‌های خسرو و شیرین نامی اصفهانی و نظامی گنجوی، در یک وزن و قالب سروده شده‌اند؟

- موارد شباهت یا افتراق دو منظومه از نظر موضوع و درون‌مایه، چیست؟

- دو منظومه از نظر حجم داستان و تعداد ابیات، چه تفاوتی با هم دارند؟

- سیر حوادث فرعی در این دو منظومه، از نظر کمی و کیفی چگونه است؟

- خسرو و شیرین روایت نامی، تا چه اندازه توانسته است ادعای نامی را مبنی بر خلق اثری هم‌پایه‌ی منظومه‌ی نظامی، تحقق بخشد؟

۱-۲- اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش، بررسی شیوه‌ی روایت منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی و مقایسه‌ی آن با خسرو و شیرین نظامی می‌باشد تا وجوه تشابه و نیز تفاوت‌های کمی و کیفی دو اثر مشخص شود و میزان موفقیت نامی در نظیره‌گویی از منظومه‌ی نظامی، معین گردد.

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، عدم دسترسی به یک متن منقح انتقادی از منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی اصفهانی می‌باشد چرا که این اثر، تاکنون به طبع نرسیده است. البته تصحیح این منظومه توسط عبادالله عبدالکریمی به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و بر اساس سه نسخه‌ی کتابخانه‌ی تبریز و یک نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی، ثبت شده است (پورزینی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۳). اما با توجه به عدم چاپ و دسترسی به آن و نیز سخنوری و زیبایی قلم نامی، نیاز به اقدامات جامع‌تری در این زمینه احساس می‌شود، به خصوص که کتابچه‌ی منشور عشق‌نامه خسرو و شیرین به کوشش رایوه کردافشاری نیز، فاقد متن و کلیت داستان است و طبع ارزشمندی نمی‌باشد.

۱-۴- روش تفصیلی تحقیق

در این پژوهش، قبل از هر چیز، با بررسی نسخ خطی موجود، برای تهیه‌ی متنی متن از منظومه، اقدام شد. در این راستا، ۵ نسخه بررسی شد: نسخه خطی شماره ۱۶۹۳۰۸۴ و نسخه خطی شماره ۱۳۳۷۸۵۲، هر دو از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (nlai.ir) کتابخانه و اسناد دیجیتال).

نسخه‌خطی شماره ۱۳۳۳۷ و نیز نسخه‌ی شماره ۸۳۷ با کد ۱۶۷۳۶۱، از کتابخانه مجلس شورای اسلامی. همچنین نسخه‌خطی شماره ۷۴۹ کتابخانه وزیری یزد. سپس از بین این نسخ، بر مبنای اصالت و قدمت نسخه (تاریخ کتابت و اعتبار و...)، نسخه‌ی شماره ۱۶۹۳۰۸۴ که نسخه‌ی کامل و نسبتاً خوانایی نیز هست، به عنوان نسخه اساس برگزیده شد و رونویسی از نسخه و ضمن آن یادداشت‌برداری، انجام گرفت و هر جا ضرورتی پیش آمد، به سایر نسخه‌ها نیز مراجعه شد. این متن و فیش‌برداری‌ها با یادداشت‌ها و فیش‌برداری‌هایی که از متن خسرو و شیرین نظامی تهیه شده بود، مقابله و مقایسه شد. در تحقیق حاضر، که به روش کتابخانه‌ای و برپایه‌ی توصیف و تحلیل می‌باشد، منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی معرفی شده است و این اثر از جهات کلی چون: وزن، آغاز و انجام داستان، شخصیت‌ها، حوادث و ماجراهای داستان و شیوه‌ی روایت داستان بررسی شده و با منظومه‌ی نظامی، نیز مقایسه شده است.

معرفی منظومه خسرو و شیرین نامی

مثنوی‌های نامی بخصوص خسرو و شیرین او، دارای همان زبان گرم و دلپذیر است که اندیشه‌ها و احساسات نازک و عواطف و مضمون‌ها و نکته‌های شاعرانه دقیق را در زبانی بسیار ساده بیان کرده است. این منظومه با حدود ۴۲۰۰ بیت و در بحر «هزج مسدس مقصور محذوف» یا «ترانه» که وزنی بسیار لطیف، زیبا، گوشنواز و دلنشین است، سروده شده است. این وزن در انتقال کامل اندیشه و پیام و مضامین منظومه موفق است. پیداست که انتخاب این وزن و این قالب شعری برای منظومه‌های عاشقانه، آگاهانه بوده است. نظامی این وزن را انتخاب کرده و نامی به تقلید از او همین وزن را به کار گرفته است (آیتی، ۱۳۷۰: بیست‌وهفت، وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۹).

- هدف از سرودن منظومه

نامی در دیباچه‌ی خسرو و شیرین می‌گوید که در رکاب کریم‌خان در شیراز بوده که نظم آن‌را آغاز کرده است:

مرا در موکب سالار کشور خدیو ظلم سوزِ عدل‌پرور...
گذار افتاد سوی ملک شیراز چه شیراز آن‌که بر جنت کند ناز...

(نامی: برگ ۱۳)

و پس از وصف شهر و منزل ممدوح و بلندهمتی و عدالت‌گستری او، از سخن سنجی وی می‌گوید و سبب نظم کتاب را، اطاعت و اجابت درخواست شاه ذکر می‌کند:
به فرمانش گشادم در ازین گنج شدم از کلک معنی‌زا گهرسنج

(نامی: برگ ۱۳)

و پس از ذکر مناجات‌گونه‌ای، نگرانی‌اش را از سختی کار سرودن خسرو و شیرین این‌گونه بیان می‌کند:

در این کاری که من در پیش دارم دلی از سستی آن رییش دارم

(همان: برگ ۱۵)

اما هدف نظامی از سرودن داستان خسرو و شیرین بیان عشق و چند و چون آن بوده است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۱۷).

- موضوع منظومه

در این که عشق مدار و موضوع عمده‌ی داستان است شکی نیست. نامی در آغاز داستان در توصیف عشق و تجلی‌های آن سخن‌پردازی می‌کند. این گفتار او گوشه‌چشمی به منطوق دل‌دادگی و عاقبت آن دارد:

خوشا روزی که عشق عافیت‌سوز شود بر خرمن دل آتش‌افروز...

(همان: برگ ۱۵)

اما همان‌طور که از همین چند بیت برمی‌آید، آن دید تقدس‌گونه‌ی نظامی به عشق (شعبان‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴)، در نامی وجود ندارد. نامی عشق را غم‌بار، عافیت‌سوز، بیدادگر، جفاپیشه و... می‌داند. این موضوع با پی‌گیری داستان بیشتر نمود پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، در اثنای داستان، آنجا که شاپور با دیدن بارقه‌های دل‌باختگی در چهره‌ی شیرین، خود را به او نشان می‌دهد، وقتی صحبت از عشق پیش می‌آید، شیرین اشک می‌ریزد و آن را وبالِ اقبال ناموافق و کدورتِ درون می‌خواند:

دریغا گشت بخت بد و بالَم غبار آلوده شد آخر زلالَم

(همان: برگ ۴۴)

هم‌چنین در روایت نامی، پدر خسرو آنگاه که از ماجرای شیدایی او آگاه می‌شود، او را از عشق شیرین منع می‌کند:

بیا جان پدر، پند از پدر گیر دل از اندیشه‌ی بی‌هوده برگیر...

(همان: برگ ۲۱)

در سرتاسر این قصه، چالش‌های بین عاشق و معشوق به تصویر کشیده شده است. در تمام قصه جایی نیست که معشوق و عاشق در مقابل هر طرح، اقدام و یا اندیشه‌ی یکدیگر، واکنشی نشان ندهند. درون‌مایه‌ی منظومه عشق است. عشقی پاک، که در نهایت پس از جدال و نزاع فراوان، بر کام‌جویی و هوس‌رانی پیروز می‌گردد. شاعر با سرودن این قصه عشق مجازی را به عشق حقیقی و پاک تبدیل کرده است. البته در خلال این چالش‌ها و حوادث داستان، نوعی مقابله‌به‌مثل و کشاکش‌های مغرضانه هم احساس می‌شود (همان حس حسادت و رقابتی که از رابطه‌ی عشقی شیرین نظامی، دور است (طغیانی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

شاید عدم توانایی کافی نامی در پردازش داستان و شخصیت‌ها و گفتگوها، در شکل‌گیری چنین احساسی، بی‌تأثیر نباشد!

- چگونگی آغاز منظومه

نامی بعد از ستایش باری تعالی و مناجات‌نامه، در زاری و نکوهش خلق روزگار، در نعت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع)، سخن می‌گوید و سپس از معراج گفته و به مدح پادشاه عصر و سبب نظم کتاب می‌پردازد. او مقدمات داستان را به تقلید از نظامی آغاز می‌کند. در خسرو و شیرین نظامی، بعد از ذکر توحید باری تعالی و بحثی در چگونگی آفرینش جهان، بعضی نکات فلسفی بیان شده و آنگاه به ستایش حضرت ختمی مرتبت و مدح ممدوحان پرداخته شده است. سپس با ذکر انگیزه‌ی نظم کتاب و سخنی در عشق و توصیف آن، داستان آغاز می‌شود. البته این مقدمات برای شروع داستان، در منظومه‌ی نظامی به حدود ۵۷۰ بیت می‌رسد در حالی که در اثر نامی پس از حدود ۳۰۰ بیت، داستان آغاز می‌شود. نامی بعد از ستایش باری تعالی و مناجات، بخشی را در زاری و نکوهش خلق روزگار می‌سراید:

خدایا سرفله طبعان بی‌شمارند گروهی سرفله اهل این دیارند...

(نامی: برگ ۸)

اما اصل داستان در خسرو شیرین نامی، کمی متفاوت با شیوه‌ی نظامی آغاز می‌شود. نامی ابتدا از عشق می‌گوید و باب سخن را در ذکر شیرین و صیت خوبرویی او می‌گشاید:

[چو] شیرین شهره شد در خوبرویی سمر گردید رویش در نکویی
مسلم شد ز ماهی تا به ماهش مسخرش شد دل درویش و شاهش...

(همان: برگ ۱۵)

و با ذکر زیبایی یاران او ادامه می‌دهد و در بخش بعدی، از پادشاهی و عدالت محوری هرمز (پدر خسرو) سخن به میان می‌آورد. در صورتی که نظامی پس از مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص) در ستایش «طغرل ارسلان» و «اتابک اعظم شمس‌الدین ابوجعفر محمدبن ایلدگز» و بعد در مدح «شاه مظفرالدین قزل‌ارسلان»، سخن می‌گوید و پس از بیان توصیفات در عشق، داستان را آغاز می‌کند.

- شرط شیرین برای وصال

در این داستان، خسرو برای رسیدن به وصال شیرین، باید دشمن را شکست دهد و دوباره پادشاهی را به دست آورد. در منظومه‌ی نامی، پس از آن که خسرو از گستاخی خود و رنجاندن شیرین پشیمان می‌شود و شیرین را به نزد خود طلبیده و با سخنان عجزآمیز به مکالمه با شیرین می‌پردازد، شرط مطرح می‌شود:

...که کام شه ز من کاریست مشکل که ره دورست و ناپیداست منزل...

نگردد تا عروس ملک یارش خیال من نیاید در کنارش...

(نامی: برگ ۶۶)

اما این خواسته در منظومه‌ی نظامی، پس از افسانه‌سرایایی یاران و بزم و گفتگوی دو دل‌داده مطرح شده است. شیرین پس از گله از هوسبازی و بدعهدی خسرو، به وی می‌گوید که تا زمانی که دشمن نابود نشود و عروس ملک و پادشاهی یار خسرو نگردد، ممکن نیست شاه بتواند از او کام گیرد.

- ترک سلطنت گفتن شیرین و همسایگی دلدار

در اثر نامی (همچون روایت نظامی)، شیرین تخت سلطنت را ترک کرده و به یکی از چاکران خود می‌سپارد:

یکی از چاکران خویش را خواند به جای خویش بر تخت بنشانند

(همان: برگ ۷۵)

به مولایی سپرد آن پادشاهی دلش سیر آمد از صاحب کلاهی

(نظامی، ۱۳۱۷: ۱۸۲)

البته در روایت نظامی، یکبار هم در آغاز داستان، شیرین به ترغیب شاپور و به بهانه‌ی شکار، سوار بر شب‌دیز، ارمن را به قصد مداین و مشکوی خسرو، ترک می‌کند، که این بخش در روایت نامی نیست.

تفاوت‌های روایت منظومه‌ی خسرو و شیرین نامی با اثر نظامی

مهم‌ترین نکته‌ای که در وهله‌ی نخست به چشم می‌آید، تعداد ابیات است. با بررسی این نسخه‌های در دسترس، تعداد ابیات خسرو و شیرین نامی ۴۲۰۰ بیت می‌باشد که تقریباً $\frac{2}{3}$ ابیات منظومه‌ی نظامی است. همین مقایسه‌ی ساده نشان می‌دهد که نه تنها حوادث و داستان‌ها، در منظومه‌ی نامی تفصیل اثر نظامی را ندارند، بلکه بخش‌هایی نیز، حذف شده‌اند.

بخش‌هایی از داستان نظامی، که در منظومه‌ی نامی لحاظ نشده:

- در استدلال نظر و توفیق شناخت
- آموزش خواستن
- خطاب زمین‌بوس
- سخنی چند در عشق
- صفت بزرگ امید
- کل ماجرای عشرت خسرو در مرغزار و سیاست هرمز...
- خواب دیدن خسرو نیای خویش را
- وصف جمال شیرین و شب‌دیز
- کل ماجرای گریختن شیرین از نزد مهین بانو به مداین
- کل ماجرای اندام شستن شیرین در چشمه آب و دیدن خسرو وی را...
- کل ماجرای ترتیب کردن کوشک برای شیرین
- رسیدن خسرو به ارمن نزد مهین بانو
- مجلس بزم خسرو...

- رفتن شاپور دیگر بار به طلب شیرین
- باز آوردن شاپور شیرین را پیش مهین بانو
- اندرز و سوگند دادن مهین بانو شیرین را
- چوگان باختن خسرو با شیرین
- شیرکشتن خسرو در بزم گاه
- افسانه گفتن خسرو و شیرین و شاپور و دختران
- کل ماجرای نامه نگاری های خسرو و شیرین...
- کل ماجرای وصیت مهین بانو..
- بزم آرایه های خسرو
- شفاعت کردن خسرو پیش مریم از شیرین
- به می نشستن خسرو بر تخت طاقدیسی
- مناظره‌ی خسرو با فرهاد
- نیایش های شیرین...
- خواب دیدن خسرو (بعد از بازگشت مایوسانه از قصر شیرین) و تعبیر شاپور
- مجلس آراستن خسرو در شکارگاه
- سوال و جواب خسرو با بزرگ امید
- مباحث حکمی چون: اولین جنش، چگونگی فلک،... و تمثیل ها...
- گفتن چهل قصه از کلیله و دمنه با چهل نکته
- نشستن خسرو به آتش خانه
- خواستگاری شیرویه شیرین را
- کل ماجرای جان دادن شیرین در دخمه خسرو...
- نکوهش جهان
- نتیجه افسانه خسرو و شیرین
- در نصیحت فرزند خود محمد
- کل ماجرای خواب دیدن خسرو پیغمبر را و نامه نوشتن پیغمبر به او...
- اندرز
- نکوهش حسودان

- ۱- حذف بسیاری از این صحنه‌ها، از جمله: خواب دیدن های خسرو، ماجرای گریختن شیرین به مدائن، اندام شستن او در چشمه، مناظره‌ی خسرو و فرهاد، جان دادن شیرین در دخمه‌ی خسرو و...، به وضوح، از گیرایی و کشش داستان کاسته است.
- ۲- نظامی داستان را از به دنیا آمدن خسرو آغاز می کند یعنی شخصیت اصلی داستان را به وجود می آورد و آن را می پرورد و در ادامه‌ی داستان آن را با ماجراهای گوناگون درگیر می کند و داستان را تا مرگ و خاتمه زندگی او و شیرین به اتمام می رساند. همین نکته، داستان خسرو و شیرین نظامی را به یک داستان بلند تبدیل می کند. ضمن اینکه او گاه حتی در آوردن اوصاف و

تشبیهات گوناگون، مبالغه کرده است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۱۹). درحالی‌که داستان نامی کوتاه‌تر است. وی پس از ذکر ابیاتی در تولد و بالیدن خسرو، به شرح ماجرای عاشقی او می‌پردازد. در حقیقت بخش بزرگی از شرح و توصیف شخصیت‌ها، داستان‌های فرعی، اندرزها و حکمت‌ها و... در منظومه‌ی نامی حذف شده است. نامی، کل ماجرای پادشاهی هرمز، تولد خسرو، کودکی، نوجوانی، جوانی و بالیدن و نشو و نما را در ۹ بیت می‌گنجاند و آن را به همراه وصف سجایای شیرین و توصیف جمال خسرو و حتی عاشق شدن او بر شیرین یکجا، ذیل عنوان «طلوع اختر خسرو از افق دولت و غایبانه به شیرین عشق آوردن»، می‌آورد.

۳- تفاوت دیگر این دو منظومه در خصوص آغاز داستان و مقدمه‌چینی برای این آغاز، مدح مولای متقیان علی (ع) در منظومه‌ی نامی است که مثنوی نظامی از آن خالی است؛ چرا که نامی شاعری شیعی بوده است و بنابر اخلاص و ارادتی که نسبت به امامان شیعه داشته، کلام را به زیور مدح و ثنای اولین امام شیعیان مزین نموده است.

۴- در منظومه‌ی نظامی - همان طور که ذکر شد- مدح‌شده‌ها ۳ موردند: «اتابک شمس‌الدین ایلدگز»، «طغرل ارسلان سلجوقی» و «قزل ارسلان ایلدگز». ولی در اثر نامی، تنها یک مورد، آورده شده است.

۵- در منظومه‌ی نظامی، بخش «درمعراج پیغمبر»، در پایان داستان و قبل از «اندرز و ختم کتاب» آمده است و در اثر نامی در آغاز کتاب و بعد از وصف حضرت علی (ع).

۶- عاشق شدن خسرو بر شیرین

در داستان نظامی، خسرو نیای خویش (انوشیروان) را به خواب می‌بیند و وی بشارت دلارامی را به او می‌دهد. پس از آن با سخنان شاپور و توصیفات او از شیرین، خسرو دل از دست می‌دهد و شیدا می‌شود اما در داستان نامی، خسرو، در بزم شبانه، وصف زیبایی‌های شاهزاده‌ی ارمنی را از یاران و بزرگان دربار می‌شنود و دل و طاقت و هوش از کف می‌دهد و درخواست می‌کند که او را بیابند: [چو] زین افسانه دل کردید خونم به مقصد گشت باید رهنمونم...

(نامی: برگ ۱۸)

یکی از بزرگان دربار، کاروان بازرگانانی را می‌بیند و سراغ شیرین را از ایشان می‌گیرد. آن‌ها

این‌گونه از شاهزاده‌ی ارمن و خیل شیفتگان او، می‌گویند:

چه گوئیمت از آن فرخنده منزل چه گوئیمت از آن غارتگر دل
یکی از نقشبندان هنرمند نگارد نقشش آن رخسار دلبند

(همان: برگ ۱۹)

در دست یکی از آن بازرگانان، یکی از تمثال‌های شیرین است. حکیم بازرگان را به همراه تمثال، نزد خسرو می‌برد. عشق آن تصویر شراری در جان شاه می‌افکند و چون نقش روی دیوار، از خود بی‌خود می‌شود. پس بازرگان می‌پذیرد که مکان و مأوای شیرین را نشان بدهد.

۷- مرگ هرمز و وصیت فرزند

در داستان نظامی، با دسیسه‌ی بدخواهان، هرمز به خسرو بدین شده و در این اثنا که خسرو برای فرار از گوشمال پدر، دور از شهر و دیار به سر می‌برد، هرمز جان می‌سپارد اما در داستان نامی، هرمز در واپسین لحظات عمرش، این مجال را دارد که خسرو را به عدل و داد، مبارزه با ظلم، نیکی رفتار و... سفارش کند:

عدالت باشد اول شرط شاهی عدالت پیشه کن گر ملک خواهی
مکن بر زیردستان جور، زنه‌ار ستمگرگش شو اکنون نی ستمکار

(همان: برگ ۴۴)

حال آن که در روایت نظامی وصیت مهین بانو (قبل از مرگش) به شیرین، مطرح می‌شود. که البته این علاوه بر توصیه‌ی وی به شیرین - مبنی بر کیفیت رابطه‌اش با خسرو و حدود عشق و عفت - در اوان ماجرای عاشقی آن دو است.

۸- شوریدن بهرام علیه خسرو

در روایت نظامی، وقتی پادشاهی هرمز پایان یافت و او به دست عده‌ای از مخالفان کشته شد، خسرو به قصر برمی‌گردد و در پایتخت حکومت خود به شاهی می‌نشیند. اما وقتی بهرام چوبین از برتخت نشستن خسرو پرویز آگاه می‌شود، با تصور اینکه خسرو خیانتکار است و پدرش را کور و سپس کشته است، علیه او دست به شورش می‌زند. زیرا که اعتقاد دارد که تاج و تخت شایسته‌ی اوست و تصاحب آن حقیقش است:

به هر کس نامه‌ای پوشیده بنوشت بر ایشان کرد نقش خوب را زشت

(نظامی، ۱۳۱۷: ۱۱۳)

بهرام به بزرگان و سرداران نامه می‌نویسد که:

هنوز از عشق‌بازی گرم و داغ‌ست هنوزش شور شیرین در دماغ‌ست

از این شوخ سرافکن سر بتابید که چون سر شد سر دیگر نیابید

(همان: ۱۱۳)

اما نامی این‌طور می‌نگارد که چون خسرو مدتی را، به سفارش پدر، به عدل و داد فرمان راند و ظالمان کشور از لطف شاه نومید شدند، بیعت شاه را شکستند و گرد بهرام فراهم آمدند:

[چو] شه عمری به عدل و داد بنشست در رحمت به روی دشمنان بست...
گروهی ز اهل کین از هر دیاری فراهم آمدند اندر کناری ...
(نامی: برگ ۴۶)

۹- اولین دیدار دو دلداه

در روایت نظامی، ابتدا خسرو در چشمه‌سار شیرین را می‌بیند اما او را نمی‌شناسد:
ز هر سو کرده بر عادت نگاهمی نظر ناگه درافتادش به ماهی...
(نظامی، ۱۳۱۷: ۸۰)

و چندی بعد، خسرو و شیرین در شکارگاه به هم می‌رسند و همدیگر را می‌شناسند:
دو صیدافکن به یک‌جا باز خوردند به صید یکدیگر پرواز کردند
(همان: ۱۱۵)

در داستان نامی، خسرو پس از شکست در جنگ با بهرام، با چندتن از همراهان و نزدیکانش به جانب ملک ارمن رهسپار می‌شود. از قضا شاه به جایی می‌رسد که شیرین و یارانش در آن صحرا به گشت و گذار مشغولند و اولین دیدار دو دلداه در صحرا می‌باشد. چون چشمش بر آن ماه رخشان می‌افتد از همراهی بنخت و بیداری طالع خویش مسرور گشته و شکر خدای را به جای می‌آورد. شیرین نیز از دور فرشاهی را در خسرو می‌بیند و پس از اطمینان دو نفر و شناخت یکدیگر، بازار ناز و نیاز گرم می‌شود:

چو خسرو دید آن رشک پری را فروزان ماه اوج دلبری را...
که این مهر سپهر دلبری کیست به عارض رشک ماه و مشتری کیست
(نامی: برگ ۴۹)

دل شیرین که بود از پادشه مست از آن دیدار شد یکباره از دست
به دل گفتا که باشد آن نکوفال به خوبی همچو آن فرخنده تمثال ...
(همان: ۵۰)

۱۰- دیدن تمثال شیرین و آتش عشق فرهاد

نظامی آغاز عشق فرهاد را بعد از طرح درخواست خسرو از شیرین -توسط شاپور- مبنی بر برقراری رابطه‌ی پنهانی با او (و قبل از ماجرای شکر اصفهانی)، می‌آورد. در این داستان، چون خدمتکاران شیرین در تهیه‌ی شیر برای وی به زحمت می‌افتادند، شیرین دغدغه‌اش (آوردن شیر از راه دور) را برای شاپور بیان می‌کند و او برای این کار فرهاد را مناسب دانسته و او را یافته و به قصر

شیرین می‌آورد. فرهاد پشتِ پرده‌سرای شیرین جای می‌گیرد و از شنیدن رطبِ گفتار شیرین و شکرخنده‌های او، منقلب و مدهوش می‌شود:
 چو بگرفت آن سخن فرهاد در گوش ز گرمی خون گرفتگی در جگر جوش
 برآورد از جگر آهی شغب‌ناک چو مصروعی ز پا افتاد بر خاک
 (نظامی، ۱۳۱۷: ۲۱۷)

اما فرهاد در داستان نامی، درحین گشت و گذار در صحرا، به کاروانی برمی‌خورد و با دیدن تمثال شیرین در نزد آنها، دل به او می‌بازد:
 مثالی دید بر لوحی نشسته برو واله ملک، حیران فرشته...
 شد از صهبای این افسانه سرمست دلش از کار رفت و کار از دست
 (نامی: ۷۸)

در پی این بی‌تابی‌ها، به ایران آمد و در ایران، دوست دیرینش، شاپور، را دید. شاپور هم او را برای صنعت‌کاری در کوه بیستون و بنای قصر، به پادشاه معرفی کرد:
 [چو] گشت از کار او شاپور آگاه سراسر حال او را گفت با شاه...
 بگفتش گر به انجام آید این کار فشانم بر سرت گوهر به‌خروار
 (همان: ۸۱)

۱۱- ماجرای شکر

در منظومه نظامی، ماجرای شکر اصفهانی، بعد از مرگ مریم و پس از نامه‌نگاری‌های کنایه‌آمیز و طنزگونه‌ی خسرو و شیرین، اتفاق می‌افتد. وقتی خسرو تعزیت‌نامه‌ی مریم را از شیرین دریافت می‌کند، از راه دور برای او چرب‌زبانی‌ها می‌کند و دل او را نرم می‌سازد. شیرین هم چون رونق بازار می‌بیند، بهای متاع خود را بالا می‌برد:
 متاع نیکوئی بر کار می‌دید بهامی کرد چون بازار می‌دید
 (نظامی، ۱۳۱۷: ۲۷۲)

خسرو در بزم شاهی، سراغ زیبارویان و خوبان عالم را می‌گیرد که یکی از بزرگان، از زیباروی اسپهانی، می‌گوید. البته نظامی ماجرای عزیمت خسرو به اصفهان و آشنایی و ازدواج با شکر را به تفصیل شرح می‌کند. در مقابل، در روایت نامی، این واقعه قبل از مرگ مریم روی می‌دهد و شرح و بسط نظامی را ندارد. نامی روایت می‌کند که خسرو به‌خاطر بی‌مهری که از شیرین می‌بیند، شکر اصفهانی را به همسری می‌گیرد. او وقتی از حضور شیرین در نزدیکی بیستون مطلع می‌شود،

روزی پنهانی از مریم و به قصد شکار به نزد شیرین می‌رود اما شیرین او را در پس پرده می‌پذیرد و به‌خاطر بی‌وفایی‌اش و ازدواج با مریم، او را سرزنش می‌کند. پس خسرو برای از یاد بردن تلخی‌های شیرین، به پیشنهاد شاپور، به سوی شکر می‌رود:

کنون شه را بود این چاره‌ی کار که از خیل بتان ماه رخسار
 به رگم آن جفاجو در دیاری بگردد دلبری، جوید ننگاری
 شنیدم در صفاهان هست ماهی به دارالملک خوبی پادشاهی

(نامی: برگ ۹۲)

۱۲- رفتن شیرین به بیستون و مناظره با فرهاد

وجود ۶ گفتگو در اثر نظامی، دلیل بر قدرت بیان شگفت و پویایی اندیشه‌ی وی است و در این میان، مناظره‌ی خسرو و فرهاد رونق دیگری دارد:

نخستین بار گفتش کز کجایی؟ بگفت از دار ملک آشنایی...

(نظامی، ۱۳۱۷: ۲۳۳)

اما در روایت نامی، مناظره بین شیرین و فرهاد اتفاق می‌افتد. شیرین داستان نامی، که پس از ماجرای شکر زاری‌ها کرده، و از یار و کرده‌ی خویش، بسیار دل‌آزرده و پشیمان بود، به پیشنهاد ندیمانش روانه‌ی بیستون می‌شود تا بساط عیش بگستراند و غم را به فراموشی سپارد. در آنجا فرهاد شوریده را می‌بیند و او را گرفتار غمزه‌های خویش می‌یابد:

به صد شوخی بگفتش کای دل‌افگار که‌ای و از کجایی چیستت کارا؟...

(نامی: ۱۰۲-۱۰۱)

در روایت نظامی، یک سوی مناظره، خسرو، مغرور از هیبت شاهانه و سست‌پایه در عشق، با غروری جریحه‌دار شده از ناکامی‌ها، قرار دارد و در سوی دیگر، فرهادِ دلسوخته‌ی پاک‌باز عاشق. این دو مرد دل‌داده، با دو موضع بسیار متفاوت روبروی یکدیگر قرار گرفته‌اند و برخورد و کشمکش آنان گبرایی خاصی به داستان بخشیده است. نظامی در این گفتگو، حالات گوناگونی را که خسرو می‌گذراند و نیز واکنش فرهاد را به خوبی احساس کرده و نمایانده است (یوسفی، ۱۳۷۰: ۱۸۲-۱۷۸). این مناظره به صورت نکته‌ها و اشاره‌هایی ظریف، پوشیده و پرمعنی بیان شده، که این همه، در قالب شیوای سخنوری نظامی، لطفی افزون یافته است. اما در مناظره‌ی شیرین و فرهاد نامی، عاشق پاک‌باخته‌ی شیدا، نه در برابر رقیب، که رویاروی دلدار قرار می‌گیرد. پس صحنه بیش‌تر از آن که به مناظره شبیه باشد، میدان ناز و نیاز است، صحنه‌ی شوریدگی عاشق و غمزه‌های معشوق. آن طنز رندانه‌ی فرهاد نظامی، اینجا به عجز و نیاز بدل شده است!

۱۳- نامه‌نگاری خسرو و شیرین

در هر دو منظومه بین دو دل‌داده، نامه‌نگاری اتفاق می‌افتد. در هر دو اثر مضمون این نامه‌های کنایه‌آمیز و طنزگونه، از خسرو به شیرین، در تعزیت مرگ فرهاد، و بالعکس از طرف شیرین به پرویز، در تعزیت مرگ مریم می‌باشد اما نامی غیر از این، نامه‌نگاری را، به ترتیب، پس از ماجرای ملاقات شیرین با فرهاد و نیز پس از ماجرای ازدواج خسرو و شکر، هم قرار داده است. وقتی خسرو از ماجرای عشق فرهاد و ملاقات شیرین با او در کوه بیستون، آگاه می‌شود، دنیا در برابر دیدگانش تیره و تار می‌شود. او در نامه‌ای بلند و طنزآمیز، با نیش و کنایه، خطاب به شیرین می‌نویسد:

... به کویت عاشقان را بار بادا ز اسم ننگ و نامت عار بادا
 خصوص آن خسته‌دل فرهاد مهجور مبادا از حریم حضرت دورا!..

(همان: ۱۰۶)

در مقابل، شیرین هم که از رشک شکر دل‌خون بوده و از نیش و کنایه‌های شاه رنجیده، قلم در دست می‌گیرد و پس از شرح موقوف رفتنش به بیستون، چنین می‌نگارد:

... تو می‌گویی که من بی نام و ننگم ز دست نام و ننگ خود به تنگم
 شکر را کاش دامن پاک باشد! ز بی‌ناموسی او را پاک باشد...
 روم گیرم [چو] شکر یار بسیار که پیشش چشم شه باشم نکوکارا!..

(نامی: برگ ۱۱۰)

این روایت نامی شاید از لحاظ منطق و طرح داستان و روابط علی معلولی، نامه‌نگاری را موجه‌تر نماید، چراکه خسرو به رشک می‌آید و در پی تدبیری برای نابودی فرهاد برمی‌آید اما نکته‌ی جالب توجه این است که در این داستان، تمام این ماجراها (ازدواج خسرو با شکر و نامه‌نگاری‌ها) قبل از بیماری و درگذشت مریم آورده شده! و عاقبت شکر نیز نامعلوم می‌ماند.

۱۴- دخالت شیرین در مرگ مریم

نظامی به شیرین قداستی یگانه بخشیده است، به طوری که هیچ‌یک از نظیره‌ها در این زمینه، تا این حد موفق نبوده‌اند. از جمله در ماجرای مرگ مریم، حکیم گنجه همه‌ی اتهامات را از شیرین پاک می‌کند و دخالت او را در مرگ مریم و خوراندن زهر هجران به او را، تنها یک قصه‌ی دروغ می‌داند اما شیرین پرداخته‌ی نامی، وقتی از بیماری مریم، همسر شاه، آگاه می‌شود، دایه‌اش را با زهر قاتل و در لباس طیب، به منظور مداوای مریم، به سوی ایران می‌فرستد. دایه چند دارو را با زهر به هم می‌آمیزد و به مریم داده و او را در دم هلاک می‌کند!

صنم با دایه گفتا وقت یاری ست مه‌یا شو زمان کارسازی ست...
 شنیدستم که مریم گشته رنجور مزاج از استقامت گشته اش دور
 به آیین طیبیان راه بردار شرنگی جان‌گزا همراه بردار...
 (همان: ۱۱۹)

۱۵- خاتمه‌ی کار خسرو و کشته شدن توسط فرزندش، شیرویه

خسرو داستان نامی، پس از کامیابی، به تدریج فریفته‌ی غرور شاهی، شورشجویی و هوای یار می‌شود و روزوشب را مخمور و سرمست می‌گذراند. فنون ملک‌داری و دادخواهی و عدالت‌پروری را از یاد می‌برد. رعیت نیز که اوضاع را این‌چنین می‌بینند، به امید گشایش، به شیرویه (فرزند مریم)، می‌پیوندند. شیرویه در نهایت، با خنجری پهلوی پدر را می‌درد:
 شبی شه بود از می، مست خفته در آمد از کمین پورش نهفته
 نهان زد خنجری بر پهلوی او به زخم خنجرش بشکافت پهلوی
 (همان: ۱۴۷)

نامی داستان را تا اینجا نقل می‌کند اما از ذکر مرگِ اختیاری شیرین در دخمه‌ی خسرو، سر باز می‌زند و می‌گوید:

ازین افسانه نتوانم سخن کرد که چون قصد هلاک خویشان کرد
 دلم ندهد کزین ناخوش فسانه گذارم داستانی در زمانه
 وگر نه هر که را هوشی ست داند که نامی شعرگفتن می‌تواند ...
 (نامی: برگ ۱۴۷)

۱۶- حکایت‌های فرعی

در ادب فارسی، بسیاری از آن چه که در ادبیات سایر ملل اختصاص به نثر دارد (از جمله: عقاید حکمی و تعالیم اخلاقی، قصه، تمثیل، داستان کوتاه و ...)، در شعر فرصت تجلی یافته است و معمولاً این آثار از سلاست و روانی قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردارند (زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۴۹۵-۴۹۴). داستان خسرو و شیرین که از جمله داستان‌های پر فراز و نشیب و مشحون از وقایع متعدد است مجال حکمت‌پردازی گسترده‌ای را، برای شاعری چون نظامی فراهم آورده است (طغیانی، ۱۳۸۸: ۴۲). در داستان نامی نیز، ۱۱ حکایت فرعی گنجانده شده است. حکایت‌ها تمثیل‌گونه و دارای پرداختی منطقی و در درون خویش، حامل پیام و اندیشه‌ای هستند که شاعرانه پرداخته شده است. گر چه این تمثیلات در اصل داستان تأثیری ندارند، ولی تأکیدی برای مطلب اصلی داستان بوده و در پیشبرد آن مؤثر می‌باشند. پردازشی نیکو دارند و در هر کدام، سادگی و روانی چشم‌گیر

است. این تمثیلات که در موارد گوناگون ذکر می‌شوند، هم داستان را تنوعی می‌بخشند و هم تأکیدی برای کلام و کشف‌های عاشقانه‌ی شاعرند. این‌ها در حقیقت نوعی پیام در خود دارند و مکمل عقیده‌ای هستند که نامی خود به آن‌ها رسیده است.

نتیجه

شعرِ داستانیِ غنایی توسط نظامی به درجه‌ی اعلا‌ی کمال خود رسید و در دوره‌های بعد بسیاری از داستان‌سرایان را تحت تأثیر خود قرار داد. میرزا محمدصادق اصفهانی (۱۲۰۴ق)، یکی از مقلدانِ نظامی، با سرودن خسرو و شیرین - دومین منظومه از خمسه‌ی او - به نظیره‌گویی از خسرو و شیرین نظامی پرداخت. ایجاد تغییرات و حذف بسیاری از حوادث و صحنه‌ها، از گیرایی و کشش داستان خسرو و شیرین نامی کاسته است. گرچه قدرت سخن‌پردازی نامی و توانایی او در ایجاد این دگرگونی‌ها در جریان داستان را، نمی‌توان نادیده گرفت اما در هر صورت، نامی در روایت خسرو و شیرین، چندان موفق نبوده و طرحی منسجم ارائه نکرده است. هر یک از این تغییرات (در حوادث و سیر داستان)، شاید خود، قابل توجه باشند؛ اما روی هم رفته سیر کلی داستان را تحت الشعاع قرار داده و طرح کلی داستان را به بی‌نظمی کشانده است.

منابع

- ۱- آقا حسینی، حسین، مقایسه‌ی خسرو و شیرین شهاب ترشیزی با خسرو و شیرین نظامی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۲۱-۳۶، ۱۳۸۹.
- ۲- آیتی، عبدالمحمد، گزیده خسرو و شیرین نظامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۳- اشرف‌زاده، رضا، نشان تیشه فرهاد (نقد و متن کامل فرهاد و شیرین وحشی بافقی)، چاپ اول، تهران: انتشارات صالح، ۱۳۷۶.
- ۴- پورزینی، خدیجه، معرفی پایان‌نامه‌های تصحیح متون در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، گزارش میراث، دوره دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۵۵-۵۰، ۱۳۹۱.
- ۵- ذاکرالحسینی، محسن، نقد و بررسی وامق و عذرای نامی اصفهانی، نامه فرهنگستان ۳/۶، صص ۱۳۶-۱۳۹.
- ۶- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد اول، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۲.
- ۷- زرین‌کوب، عبدالحسین، نقش بر آب، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۰.
- ۸-، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، چاپ اول، تهران: نشر سخن، ۱۳۷۲.
- ۹-، از گذشته‌ی ادبی ایران، چاپ دوم، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۳.
- ۱۰- شعبان‌زاده، مریم، شور شیرین (جستاری در تلقی عرفانی نظامی از عشق)، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص ۷۳-۹۴، ۱۳۸۹.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱.
- ۱۲- طغیانی، اسحاق و زهرا معینی‌فرد، آرمان‌شهر زنان در خسرو و شیرین نظامی، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۱۳۰-۱۱۳، ۱۳۸۷.
- ۱۳- و سمانه جعفری، شیرین‌ترین حکمت‌های خسروی (در غنایی‌ترین اثر نظامی، امیرخسرو و هاتفی)، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هفتم، شماره سیزدهم، ۶۲-۳۹، ۱۳۸۸.
- ۱۴- محمدی‌افشار، هوشنگ و عبدالعلی اویسی، مقایسه سه قهرمان خسرو و شیرین نظامی با دو نظیره آن...، کتاب ماه ادبیات، شماره هفتاد و چهارم، صص ۴۴-۳۴، ۱۳۹۲.
- ۱۵- نامی اصفهانی، میرزا محمدصادق، خسرو و شیرین، نسخه‌خطی شماره ۱۶۹۳۰۸۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ir.nlai) کتابخانه و اسناد دیجیتال، کتابت ۱۲۵۲ق، ثبت ۲۶۹۸/۱ ف.
- ۱۶-، تاریخ گیتی گشا (در تاریخ زندیه)، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: بی‌جا، ۱۳۶۸.

- ۱۷-.....، **وامق و عذرا**، به کوشش رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ۱۸-نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، **خمسه‌ی نظامی گنجوی**، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۱۷.
- ۱۹-وحیدیان کامیار، تقی، **بررسی منشأ وزن شعر فارسی**، چاپ سوم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- ۲۰-یزدانی، سوسن و مسعود روحانی، **بررسی جنبه‌های تاریخی دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و شیرین و خسرو دهلوی**، پژوهشنامه ادب غنایی، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۱۸۶-۱۶۷، ۱۳۹۱.
- ۲۱-یوسفی، غلامحسین، **چشمه روشن (دیداری با شاعران)**، چاپ سوم، تهران: علمی، ۱۳۷۰.

